



بسم الله الرحمن الرحيم

۲.....	نظام سازی در اجتهاد
۲.....	مرور بحث گذشته
۲.....	حالات مختلف گزاره ها در علوم
۲.....	اهمیت تنظیم علوم
۲.....	طبقه بندی در مسائل مستحدثه
۳.....	نقش تسهیلی تنظیم علوم
۳.....	اثر ثبوتی تنظیم علوم
Error! Bookmark not defined.	
۳.....	تمثيل بحث
۴.....	تأثيرات ذی مراتب علوم
۴.....	انواع مسائل فقهی
۴.....	آثار نظم ظاهری
۵.....	زیرمجموعه های علوم
Error! Bookmark not defined.	
۵.....	مرحله سوم



نظام سازی در اجتهاد

مرور بحث گذشته

مقدمه سیزدهم در قبال اجتهادی بود که به هدف نظام سازی و برای اکتشاف مکتب و نظام انجام می‌پذیرد. این مطلب برای این بیان شد که نظام سازی امری متفاوت از اجتهادی بوده که تاکنون با آن سرو کار داشتیم.

حالات مختلف گزاره‌ها در علوم

وقتی به سراغ متون می‌رویم، گاهی به دنبال پاسخ سؤال جزئی هستیم که می‌خواهیم از متون دینی به پاسخ آن بیاییم. در اینجا می‌خواهیم برای کشف تک گزاره، حکم وضعی یا تکلیفی آن را به دست آوریم. اما گاهی نگاه به گزاره‌ها نگاه تجمیعی است و در مواردی نیز گزاره‌های هم سنخ را با یکدیگر جمع می‌کنیم که تبویب فقه به این ابواب بر اساس آن بوده است.

اهمیت تنظیم علوم

این تنظیم در استنباط و اجتهاد بسیار مؤثر است. گاهی تنظیم در قالب یک فصل و گاهی در قالب کتابی مانند طهارت است و در مواردی نیز فراتر خواهد بود و به بایی مانند عبادات را به وجود می‌آورد. این طبقه بندی برای کشف نکات مؤثر در اجتهاد تک مسأله ای مؤثر است.

طبقه بندی در مسائل مستحدثه

اما مسائل مستحدثه ای که معمولاً مشاهده می‌شود از نظم به خصوصی برخوردار نیست. ولی علم معمولاً دارای طبقه بندی است و گزاره‌هایی که تک تک اجتهاد شده و یا این قابلیت را دارد، دسته بندی می‌نماید. این دسته بندی به نحو طولی صورت می‌گیرد که از فصل به باب و کتاب منتهی می‌گردد.



نقش تسهیلی تنظیم علوم

تنظیم علوم گاهی نقش تسهیل در یک علم را بر عهده دارد. جمع این طبقات موجود در علوم در طبقه بالاتر قرار گرفته‌اند که هر تک مسأله‌ای در موضوع کلی علم قرار دارد. این به علم چارچوب می‌دهد و روند تحقیق در علم را تسهیل می‌کند. لذا در چارچوب کلی اموری صورت می‌گیرد که در تسهیل فرآیندها مؤثر است.

اثر ثبوتی تنظیم علوم

اثر دوم طبقه بندی‌ها، اثر واقعی و ثبوتی است چراکه وقتی مسائل همگن در کنار یکدیگر قرار گیرد، در اصل اجتهاد و استنباط نیز می‌تواند مؤثر باشد. چراکه این امر باعث می‌شود که روابط بین علوم کشف شود.

جمع بندی

البته در مقام تحلیل این‌ها، دو مرحله‌اند ولی در حقیقت امری به هم پیوسته است. این جمع‌آوری در اجتهاد تک مسأله مؤثر است. طبقه بندی هم ذو مراتب هستند و هم دارای اثباتی و ظاهری و احیاناً دارای اثر عمقی هستند.

تمثیل بحث

برای مثال اگر احتمال داده شود که وقتی مجموعه مباحث ارث در کنار هم وقتی قرار بگیرد، به رسیدن به حکم کمک کند، باید او این کار را انجام دهد. از طرفی دیگر مسائل مستحدثه وقتی در کنار یکدیگر قرار بگیرد، بسیاری از مطالب مفی دیگر به دست خواهد آمد که در صورت تک مسأله گرایی بدان نکات نخواهیم رسید.



تأثیرات ذی مراتب علوم

تأثیر فلسفه و سایر علوم در قبال اجتهاد امری تشکیکی بوده و به مقداری که دارای اثر است باید بدان توجه شود. این مباحث حالت فلسفه علمی را داراست که کمک می‌کند علم رشد پیدا کند و هم اینکه اجتهاد او تقویت پیدا کند. در علوم اجتماعی و سایر علوم نیز بدین صورت است.

لذا نظم ظاهری آثار عمقی ای را می‌تواند در استکشاف علوم داشته باشد.

انواع مسائل فقهی

در نگاه‌های فقهی گاهی نظر به مسائل جزئی و گاهی نگاه به مسائل مرتبط در یک فصل است. از طرفی دیگر اموری است که باید بدان توجه شود که؛ تعلم و نگارش علم برای تسهیل در فرآیند اجتهاد امری لازم است.

جنبه دوم طبقه‌بندی لازم در علوم است، این عمل اثباتاً نیز اثر دارد.

آثار نظم ظاهری

نظم ظاهری می‌تواند آثار عمیقی در استکشاف و استنباط داشته باشد. از جهتی دیگر تعبیر من این است که ما در مجموعه‌ای هرکدام از علوم می‌توانیم برش‌های متعددی را داشته باشیم. و هرکدام از ابواب بر اساس حیثیتی که دارند می‌تواند در جنبه‌های مختلف مورد بهره‌گیری قرار گیرند، به عنوان مثال ممکن است یک مسأله در ابواب عبادی، اقتصادی، فرهنگی و... دارای اثر باشد.



زیرمجموعه‌های علوم

این گونه نیست که زیرمجموعه‌های علوم ثابت و لایتغیر باشند و ازجمله نکات دیگری که از اهمیت بالایی برخوردار است، بحث فلسفه علوم است.

جمع‌بندی

پس تاکنون گفته شد که اجتهاد تک‌گزاره‌ای هسته اجتهاد پایه است. اجتهاد نیز در طول تاریخ روند روبه‌جلو و تکامل‌یافته‌ای داشته است. البته این تکامل به نحو تدریجی بوده است.

مرحله سوم

اما مرحله سوم این است که گزاره‌های فقهی مرتبط با یک مبحث را کنار هم بچینیم و از سطح به یک عمق پی ببریم. یعنی بگوییم بر این گزاره‌های متنوع و متعدد فقهی چه قوانین کلی‌تری حاکم است. این درواقع کار تحلیلی و عمقی است.

شهید صدر درواقع مبدع این دیدگاه است که ما از لایه‌های اولیه رویین احکامی که در فقه گفته‌شده گذر می‌کنیم و به قوانین کلی و جهت‌دهنده‌ای می‌رسیم.



مؤسسه اشراق و عرفان شماره ثبت: ۳۷۹۶
